

گل‌های لوله‌ای (۱) زرد رنگ، محصور در آنولوکری سرباز از براکت‌های دراز و برگ مانند است. سیوه آن کوچک و قهوه‌ای رنگ می‌باشد.



ش ۵۱ - Bidens tripartita : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

در بین پایه‌های مختلف این گیاه، گاهی نمونه‌هایی به وضع غیر طبیعی دیده می‌شود مانند آنکه کاپیتولهای عاری از گل در بین پایه‌های آن معمولاً به چشم می‌خورد. زمان گل دادن این گیاه در فاصله ماههای خرداد و مهر است.

۱- در کاپیتول بعضی از Bidens ها مانند B. cernua ، علاوه بر گل‌های لوله‌ای ، چند گل زبانه‌ای فاقد پرچم و مادگی نیز در حاشیه نینچ دیده می‌شود. وجود گل‌های اخیر در کاپیتول بعضی از گونه‌های Bidens باعث گردیده که در شناسائی این گیاهان اگر دقت نشود اشتباه رخ دهد.

**خواص درمائی** - اعضای مختلف این گیاه، اثر مدر، معرق، قاعده‌آور و ضد اسکوربوت دارد. با جویدن آن، ترشحات آب دهان تحریک می‌گردد. ریشه این گیاه دارای اثر سهلی ضعیف است.

استفاده درمائی از این گیاه امروزه تقریباً متروک شده است.

در طب عوام غالباً از ریشه این گیاه، برای رفع ناراحتیهای گزش عقرب و از خیس‌انده کاپیتولهای باز نشده‌اش در الکلی، برای رفع درد دندان، سالیای متمادی استفاده بعمل می‌آمده است.

از این گیاه نوعی تنطور زرد رنگ نیز برای مسازف مختلف، تهیه می‌گردد.

**محل رویش** - اطراف تهران، نواحی مرکزی ایران، اصفهان، مناطق بایرگرو، لاهیجان، گیلان و ارسباران.

*Bidens cernua* L. \*، که در نواحی اروپا و آسیا مانند قفقاز و سیریری می‌روید ولی در ایران دیده نشده است، اثر درمائی مشابه دارد.

### *Bellis perennis* L.

فرانسه : Fl. de paturage ، Fleur de pâques Pâquerette ، Petite Marguerite

انگلیسی : Marguerite ، Daisy ، آلمانی : Margarethenkraut ، Gänseblumchen

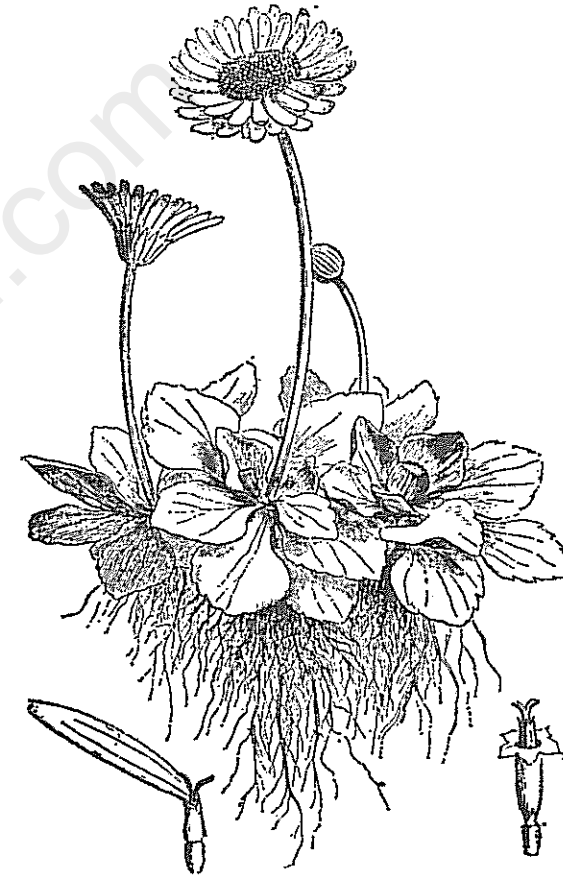
ایتالیائی : Pratellina ، Protolina ، Margarita ، Bellide ، Piccola Margharita

فارسی : گل میمنا - عربی : زهرالریح ، زهر اللؤلؤ

گیاهی است کوچک، علفی، زیبا و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۱ تا ۱٫۵ سانتیمتر که در غالب محیط‌ها مانند چمنزارهای طبیعی، دشتهای، حد فاصل جنگلها و اماکن عاری از درخت آنها و حاشیه مزارع می‌روید. تا ارتفاع ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متری دانه‌ها نیز بالاسی رود. سرمای سردزستان را تا حد ۱۷- درجه، حتی اگر از یک قشر برف نیز پوشیده نشده باشد، تحمل می‌کند. برگ‌های آن ساده، کمی گوشه‌دار، بیضوی دندانه‌دار، منتهی به دمبرگ دراز و واقع در سطح زمین است. کاپیتولهای آن که در آغاز فروردین ماه تا پائیز ظاهر می‌گردد، گل‌هایی بردونوع، یکی لوله‌ای به رنگ زرد و دیگر زبانه‌ای، به رنگ سفید یا صورتی یا گلی و واقع در حاشیه نینچ دارد. این کاپیتولها دارای حرکاتی شبیه گل همیشه بهار است بطوری که در هنگام شب و همچنین در مواقعی که هوا نامساعد است، حالت جمع شده ولی در بقیه سواق، وضع شکفته دارند بعلاوه بطور محسوس، حرکت خورشید را از شرق به غرب در روزهای آفتابی متابعت می‌نمایند.

زنبور عسل، به سوسوی گلهای این گیاه جلب می گردد ولی منحصراً از دانه های گرده آن استفاده می کند.

قسمت مورد استفاده و داروئی این گیاه، برگ و بطور کلی همه اندامهای آن است.



ش ۵۲ - Bellis perennis : گیاه گلدان به اندازه طبیعی، یک گل زیانه ای و یک گل لوله ای (Bail.)

ترکیبات شیمیائی - اندامهای مختلف این گیاه دارای ساپونین های مختلف، تانن، اسیدهای مالیک، وینیک، استیک و اکسالیک، سواد رزینی، سوسی، لعاب فراوان، سواد روغنی، اسانس، یک ماده رنگی زرد، قندهای غیرقابل تخمیر، اینولین (inuline) و یک ماده تلخ غیرگلوکزیدی می باشد.

**خواص درمانی** - تصفیه کننده خون، سلین سلایم، از بین برنده التهاب ها، آرام کننده، مقوی، معرق، خلط آورو بطور خفیف مدر است. برگهای تازه آن اگر در سالاد مصرف شود، مخاط روده را به سلایمت تحریک کرده، اثر قاطع در رفع یبوست های مقاوم ظاهر می نماید. مصرف چای گل سینا (دم کرده) برای اطفال ضعیف و لاغر، که رشد کافی ندارند توصیه شده است.

در طب عوام، سابقاً مخلوط ۴۰ تا ۱۲۰ گرم شیره گیاه در ۱۰ تا ۳۰ گرم شراب سفید، برای رفع آب آوردن انساج، دفع سنگ کلیه، دردهای رماتیسمی و غیره بکار می رفته است و هنوز هم دم کرده ۲۰ یا ۳۰ در هزار اعضای گیاه را جهت رفع اخلاط خونی، سرفه، بیماریهای سینه، مانند ذات الجنب، برونشیت، آسم، لارنژیت، همچنین رفع بی خوابی، درمان تورم حاد و سزین غدد پستان (در صارف داخلی و استعمال خارج)، خنازیر، رماتیسم، نقرس، بیماریهای کبدی و کلیوی و مثانه، وجود خون در ادرار، ورم روده، حالات تشنجی اطفال، بیماریهای پوست و غیره بکار می برند.

در استعمال خارج، برگهای له شده گیاه را بر روی زخم و جراحات و التهاب های سطحی پوست بدن جهت رفع ناراحتی و بهبود آنها، قرار می دهند علاوه جهت رفع خون سردگی های زیر جلد از آن استفاده می شود.

**صورت داروئی** - دم کرده یک قاشق دسرخوری از گل و برگهای گیاه برای یک فنجان (پس از جوشاندن مختصر، به مدت ۱۰ دقیقه دم کنند) به مقدار سه فنجان در روز در فاصله هر دو غذا - تنطور (Teinture mère) به مقدار ۲ قطره در کمی آب و ۲ یا ۳ دفعه در روز برای اشخاص بالغ.

در استعمال خارج، کمپرس ۴۰ قطره تنطور در یک لیوان آب نیم گرم - جوشانده گل و برگ به صورت کمپرس.

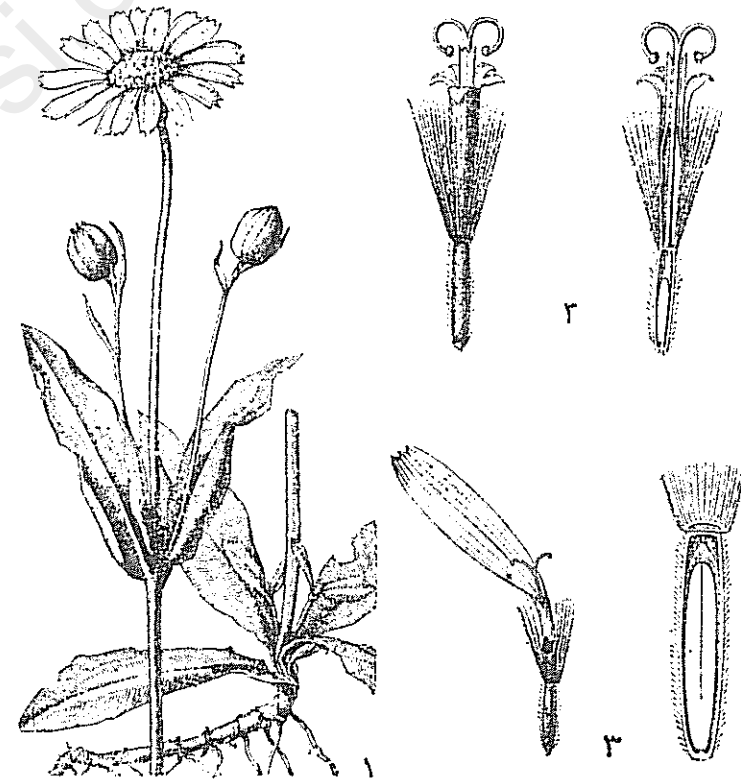
**محل رویش** - گرگان: کول باد (نزدیک به شهر)، بین زیارت و شاهرود. سازندان: هزار - جریب، کوههای گل گر (Golgar) در نزدیک ورسک در ۱۹۰۰-۲۷۰۰ متری، پل سفید در ۱۴۰۰ متری، همدان، بروجرد، کرمانشاه: برند (Brand)، درود. پرورش می یابد.

**\*Arnica montana L.**

Doronicum arnica Desf. ، D. oppositifolium Lam.

فرانسه : Souci des Alpes ، Plantain des Voges ، A. des montagnes ، Arnica  
 انگلیسی : Arnica ، Mountain tobacco ، Leopard's bane ، Arnica  
 آلمانی : Fallkraut Arnick ، Lucianskaut ، Echtes Wolferlei ، Wohlverleih  
 عربی : دخان الفوح ، خانق الفیهد

گیاهی است علنی، پایا، دارای ریزوم افقی به رنگ تیره و پوشیده از ریشه‌های متعدد که



ش ۳-۵. Arnica montana L. : دو قسمت از گیاه کامل گلدار به اندازه‌های طبیعی  
 گل لوله‌ای و برش قائم آن - گل زبانه‌ای - برش قائم سیوه

بطور خودرو در چمنزارها و اراضی سیلیسی و خازائی نواحی کوهستانی آلپ و پیرنه می‌روید.  
 چهار برگ گسترده در سطح زمین، به وضع دو به دو و متقابل دارد که از وسط آنها، ساقه گلدار

به ارتفاع معادل ۶۰ سانتیمتر خارج می‌شود. برگهای آن ساده، سوجدار، پوشیده از کرک در سطح فوقانی پهنک و دارای ۵ رگبرگ طولی مشخص است. در ناحیه وسطای طول ساقه گیاه نیز معمولاً یک زوج برگ به وضع متقابل با ظاهری شبیه برگهای تختانی ولی کوچکتر از آنها دیده می‌شود که در حد فاصل آنها و استداد ساقه گلدار، انشعابات منتهی به یک کاپیتول ولی کوچکتر از کاپیتول اصلی مشاهده می‌شود.

کاپیتول رأس ساقه گیاه، درشت‌تر از سایر کاپیتولها (در صورت موجود بودن) است. رنگ آنها زرد نارنجی و زیباست و در فاصله ماههای خرداد تا اواسط تیر نیز ظاهر می‌شوند. در هر کاپیتول ۲ نوع گل، یکی لوله‌ای و دیگری زبانه‌ای، محصور در ۲ ردیف برآکنه نوک تیز و فشرده، به تعداد ۲۰ تا ۲۴ دیده می‌شود.

گلهای لوله‌ای کاپیتولها عموماً هر سافرو دیت و رنگ زرد ولی گلهای زبانه‌ای که منحصراً از یک ردیف تشکیل می‌یابند و به تعداد ۲۰ می‌باشند، رنگ زرد طلائی زیبا یا نارنجی تیره دارند و عموماً ساده و سفوفش به ۱۰ خط سوازی مشخص اند. سیوه این گیاه، فندقه، دراز، به رنگ تیره (پس از رسیدن) و دارای یک دسته تار ظریف و سفید رنگ در قسمت انتهائی است.

قسمت سورد استفاده این گیاه، کاپیتولهای آن است (کد کس ۱۹۳۷) ولی در کتب دارویی مختلف، برگ و مخصوصاً ریزوم آرنیکا نیز سورد استفاده ذکر شده است. کاپیتول و برگ آرنیکا در آغاز ظاهر شدن گل ولی ریزوم آن بعد از خاتمه گل دادن، چیده می‌شوند و پس از خشک شدن، سورد استفاده قرار می‌گیرند.

ترکیبات شیمیائی - کاپیتول آرنیکا دارای یک ساقه زرد، صمغ، اسانس، به مقدار ۴٫۷ درصد، ارنی سین arnicine به مقدار ۴ درصد، اینولین، سوم، تانن، آرنیس ترین arnisterine (۱)، آنتوگزانتین anthoxanthine، ایزو کوئرسیترین isoquercitrine و غیره است.

در ریشه اش مقداری اینولین یافت می‌شود.

ایزو کوئرسیترین (ایزوتریفلوئین isotrifoliin، تریفلوئین trifoliin)، به فرمول  $C_{21}H_{24}O_{12}$  و به وزن ملکولی ۴۶۴۳۷ است و از گیاهان متعدد منجمله انواع زیر به دست آمده است:

۱- در بعضی کتب علمی، به نام آرنیس ترول Arnisterol (آرنی دیول Arnidiol) وارد گردیده است (مرکب ایندکس).

۱- از	Arnica montana L.	ازتیره	Compositae
۲- ازگلهای	Gossypium herbaceum L. (پنبه)	—	Malvaceae
۳-	Aesculus hippocastanum L.	—	Hippocastanaceae
۴-	Tropaeolum majus L. (لادن)	—	Tropaeolaceae

استخراج آن نخستین بار ازگلهای پنبه در سال ۱۹۰۹ و بعداً از گیاه اول یعنی آرنیکا، توسط Friedrich (۱) و سنتز آن توسط Wender و Ice (۲) صورت گرفته است. مشابهت آن با تریفولیثین و ایزوتریفولیثین توسط Hattori و همکارانش در سال ۱۹۳۷ انجام گرفته است.

ایزو کوئرستین، ساده‌ای است که به حالت خالص و به صورت بلوریهایی سوزنی شکل زرد رنگ در آب به دست می‌آید. در گرمای ۲۲۰ تا ۲۲۷ درجه ذوب می‌گردد. در آب سرد تقریباً غیر محلول ولی در آب جوش به مقدار کم حل می‌شود. در محلول‌های قلیائی محلول است و رنگ زرد شدید ایجاد می‌کند.

**خواص درمانی**- آرنیکا سونتانا، به خلاف آنچه که سابقاً به مصارف داخلی عذیده می‌رسیده امروزه بیشتر در استعمال خارج از آن استفاده بعمل می‌آید. در مصارف داخلی باید در نهایت دقت بکار رود زیرا اگر بی‌رویه و زیادتر از حد درمانی مصرف شود، عوارضی نظیر تهوع، استفراغ خونریزی، سرگیجه، سردرد و غیره بوجود می‌آورد. تزریق سه‌ساعتیتر مکعب از عصاره روان آرنیکا، کافی است که باعث سرگ یک‌خوکچه هندی گردد. تنطوری آرنیکا، در استعمال خارج اثر تحریک کننده شدید موضعی داشته، غالباً ایجاد تاول و بثورات می‌نماید.

گرد آن بشدت عطسه‌آور است.

در مصارف داخلی، آرنیکا اثر نیرو دهنده اعصاب و معرق دارد و از آن در موارد بروز هیجان‌ات، ضعف سفرط و شوک‌های ناشی از سقوط و یا صدمات جسمانی، استفاده می‌شود. سابقاً آنرا برای ایجاد حالت استفراغ وقتی بکار می‌بردند. آرنیکا در درمان سیاسرفه، تصلب شرائین و همچنین اسپاسم‌های شریانی (Dani Hervouet) مؤثر ذکر شده است.

آرنیکا در رفع بعضی لرزش‌ها، اثر قاطع دارد و از آن بطور ستناوب یا اسکوپولاسین استفاده بعمل می‌آید.

شهرت درمانی آرنیکا بیشتر در استعمال خارج است بطوریکه از آن در رفع کوئیدگیهای جسمانی ناشی از ضربت، خون‌سردگی، جمع شدن خون یا سروزیته در زیر پوست، پیچ خوردگی

1 - Friedrich Naturwiss 49, 541 (1962).

2 - Ice, Wender J. Am. Chem. Soc. 74, 4606 (1952).

مفاصل و نظائر آن استفاده جاری مخصوصاً در طب عوام، بعمل می‌آید. در هنگام جنگ جهانی- اول آنرا برای رفع جراحات سربازان زخمی بکار می‌بردند و چنین شهرت دارد که با این گیاه، جان هزاران مجروح را از سرگ نجات داده اند.

Dr. H. Schulz در سال ۱۹۲۷ اعلام داشت که با تنطوری رقیق شده آرنیکا می‌توان در سواری که مقداری خون بر اثر ضربه، در زیر پوست نفوذ می‌نماید و همچنین در پیچ خوردگی مفاصل و نظائر آن، نتایج مفید به دست آورد.

**صور داروئی** - دم کرده ۴ در هزار - تنطوری  $\frac{1}{10}$  (هر ۴ قطره آن یک گرم وزن دارد

کدکس) به مقدار ۰.۲ تا ۲ گرم مخلوط در یک پوسپون و در استعمال خارج تنطوری رقیق شده در آب به صورت کمپرس یا ضماد و یا جوشانده ۲ قاشق سوپخوری گل آرنیکا در یک لیتر آب (مدت جوشان ۱۵ دقیقه) به صورت کمپرس گرم بر روی ناحیه ضرب دیده و غیر زخمی بدن اثر داده می‌شود.

از تنطوری آرنیکا به مقدار ۰.۲ گرم مخلوط در ۰.۵ گرم گلیسرین و ۰.۶ گرم آب، محلولی تهیه می‌شود که به صورت مالیدن بر روی عضو در استعمال خارج، استفاده بعمل می‌آید.

از آرنیکا، کرم‌های (Crèmes) ساده جهت تأمین سلامت و بهداشت پوست بدن مخصوصاً پوست دست تهیه می‌شود.

**نام‌گذاری** - استات سرب، اسیدهای معدنی، سولفات آهن، سولفات روی، کربنات سینیوم و غیره.

این گیاه در ایران نیست.

### \*Grindelia robusta Nutt.

این گیاه در کشورهای اروپائی به نام Grindelia ولی در کالیفرنیا به نام Shore gumweed موسوم است.

گیاهی است چندساله، پرشاخه، به ارتفاع ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر و دارای حالت انبوه که بطور خودرو در کالیفرنیا می‌روید و بعلاوه در بعضی از نواحی پرورش می‌یابد. برگهائی نسبتاً بزرگ و نوک‌تیز، بادندانه‌های فاصله‌دار، خشن و چوبی دارد. کاپیتول آن که به بزرگی ۰.۱ سانتیمتر می‌رسد، شامل انولوکری مرکب از چندین ردیف برا کته‌های خمیده می‌باشد و در آن دو نوع گل، یکی لوله‌ای در وسط و دیگری زبانه‌ای، به رنگ زرد و واقع در حاشیه کاپیتول، دیده می‌شود. از مشخصات آن این است که به علت ترشح مواد صمغی از برگ و کاپیتول، کلیه اعضای گیاه، حالت چسبنده دارد.

قسمت سورد استفاده آن، کاپیتولها و یا سرشاخه گلدار گیاه است که طعم گرم مخصوص، تلخ و بوی معطر دارد.

گونه دیگری از این گیاه به نام *G. squarrosa* Dunald. که در امریکا، نواحی جنوب تکزاس تا سکزیک می روید و در فرانسه (حوالی سون پلیه) نیز کشت می شود، اثری مشابه گیاه مذکور دارد.



ش ۵ - *Grindelia robusta* : شاخه های گلدار (C. E. Zem.)

گونه اخیر و دو گیاه *G. camporum* Greene و *G. cuncifolia* Nutt. در اتانزونی به مصارف درمانی مختلف می رسند.

ترکیبات شیمیائی - کاپیتول گرنندلیا دارای اسانسی بابوی ساتول و طعم تند، سوادرزینی به مقدار ۲ درصد، دو گلوکزید از دسته ساپونین ها به مقدار ۲ درصد، الکالوئیدی به نام گرنندلین

*grindéline*، اسید گرنندلیک (Grindelic acid) و در ۲ نوع اخیر این گیاهان، اسید روبوس تیک *robustic acid* است.

سوادرزینی گرنندلیا دارای، اثر ضد تشنج و خلط آور ولی اسانس آن دارای اثر مسکن و آرام کننده است.

اسید گرنندلیک، *Ac. grindelique* به فرمول  $C_{14}H_{18}O_6$  و به وزن سلکولی ۳۲۰.۴۶ است و در مواد رزینی *G. robusta* Nutt. وجود دارد. استخراج و تعیین فرمول منبسط آن توسط Panizzi و همکارانش صورت گرفته است (۱).

اسید گرنندلیک، به حالت متبلور در اسید استیک به دست می آید. در گرمای ۱۰۰-۱۰۱ درجه ذوب می شود.

خواص درمانی - گرنندلیا دارای اثر تنظیم کننده ضربان قلب و آرام کننده حرکات آن در موارد طپش قلب است. اثر آن از این نظر، بر آدونیس و سوگت سزیت دارد. خاصیت رفع نزله و محرک مخاطهای مجاری تنفسی و ادراری نیز دارا می باشد.

گرنندلیا، ضد تشنج، خلط آور و رفع کننده تنگی نفس است. از این جهت در بیماریهای مختلف مانند سیامسرفه، آسم های منشاء حساسیت از دانه گرده گیاهان، تنگی نفس های منشاء نایژه ای و برونشیت های ناشی از فراخ شدن حبابهای ریوی و به طور کلی درمان بیماری های دستگاه تنفس، مصرف می شود. بعلاوه اثر مقوی دارد و به علت سدر بودن در بیماریهای کلیه و نفريت ها سورد استفاده قرار می گیرد.

صود داروئی - عصاره روان (هر ۵ قطره آن یک گرم وزن دارد - کدکس) به مقدار ۵.۰ تا ۴ گرم، به دفعات ۲ قطره در هر دفعه در اشخاص بالغ و ۱.۰ گرم بر حسب هریک از سنین عمر در اطفال - تنطور الکلی  $\frac{1}{10}$  به مقدار ۱ تا ۸ گرم در اشخاص بالغ و ۱.۰ قطره بر حسب هریک از سنین عمر در اطفال.

پوسيون جهت رفع آسم

۱ گرم	عصاره روان گرنندلیا
» ۲	تنطور لویلی
» ۲	الکلاتور آنمون ( <i>Anemone</i> )
» ۴۰	شربت بیمار نارنج
» ۶۰	آبمقتر زیرقون (تیول)

ستدار مصرف این پوسیون، یکک فاشتی قهوه خوری و به دفعات در روز است .  
این گیاهان در ایران نمی رویند.

### *Xanthium spinosum* L.

فرانسه : Lampourde épineuse ، Lampourde انگلیسی : Burrweed  
آلمانی : Spitzklette ، Dornige - Spitzklette ایتالیایی : Xantio

گیاهی است یکساله و دارای ساقه‌ای منشعب به ارتفاع ۳ تا ۶ سانتیمتر که به حالت وحشی در نواحی سرطوب، حاشیه رودخانه‌ها و داسنه‌های سرطوب کوهستانها می‌روید. پراکنندگی



ش ۵۵ - *Xanthium spinosum* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

آن به صورتی است که در منطقه وسیعی از نواحی مختلف اروپا، آسیا و شمال آفریقا یافت می‌گردد (۱).

این گیاه، برگهای کامل یا منقسم به ۳ تا ۵ لوب باریک و نوک تیز دارد. سطح فوقانی پهنک آن، دارای رنگ سبز است و بر روی آن، در امتداد رگبرگها، تارهای ظریفی دیده می‌شود که آنها را به رنگ سفید پنبه‌ای جلوه می‌دهد. سطح تحتانی پهنک، تماماً پوشیده از کرک سی باشد. از اختصاصات این گیاه که بهترین وسیله تشخیص آن از گونه دیگر و سایر گیاهان این تیره می‌باشد آن است که در محل اتصال برگهای آن به ساقه، خارهای زرد رنگ سه شاخه (پندرت ۳ یا ۴ شاخه) دیده می‌شود. کاپیتولهای آن دارای گلپشته‌های بر دو نوع نروماده است.

نوع نرکاپیتولها، در قسمت انتهایی ساقه ولی نوع ساده آنها که در کنار برگها جای دارند و غالباً به وضع منفرد ظاهر می‌شوند، منحصرأ دارای ۳ گل می‌باشند.

میوه‌اش بیضوی دراز، پوشیده از تارهای کوچک و دارای خارهای زرد رنگ کوچک با ظاهر مشخص و منتهی به قلاب است. وجود خارهای قلابدار، باعث می‌گردد که مجموعه میوه این گیاه و گونه دیگری از آن که در ایران وجود دارد، بسهولت به پوست و پشم حیوانات بچسبند و باین ترتیب از منطقه‌ای به منطقه دیگر انتقال پیدا نماید.

۱- *Xanthium* ها متفاوت در رده‌بندی‌های مختلف در گروه *Heliantheae* یا مجاور آن در گروه *Ambrosineae*، جای داده می‌شوند.

پراکنندگی *Xanthium* های دارویی در ایران و بررسی اختصاصات تشریحی آنها توسط آقای دکتر فیروز دریادل صورت گرفته است (تعداد کثرتی داروسازی در سال ۱۳۴۰). آقای دکتر فیروز دریادل کارهای علمی ارزنده‌ای در مورد جمع‌آوری گیاهان منطقه البز و استان خراسان، ضمن تهیه اسلایدهای رنگی و غیررنگی فراوان انجام داده‌اند که نمونه‌های آن در سوزنه‌های گیاهی دانشگاه تهران، مخصوصاً هرباریوم دانشکده داروسازی دانشگاه شهید جای دارد. در این جمع‌آوری، آقای احمد ماهوان کمک مؤثر داشته‌اند.

هرباریوم دانشکده داروسازی دانشگاه شهید، دارای مقادیر نسبتاً زیادی از گیاهان - دارویی مناطق مختلف ایران است و آقای دکتر شهرام یغمائی که از محققین ارزنده این استان می‌باشند، در مورد جمع‌آوری و انجام تجزیه‌های شیمیائی با استفاده از دستگاههای مدرن دانشکده داروسازی، و خانم سرزیه ذاکری در نامگذاری قسمتی از گیاهان، سهم بسزائی داشته‌اند. فعالیت علمی آقای دکتر شهرام یغمائی و همچنین آقای دکتر ضیاءالدین سجادی در مورد تجزیه‌های شیمیائی گیاهان، هنوز هم ادامه دارد. جادارد که در این کتاب از کوشش‌های پرپیای همکاران مذکور صمیمانه قدر دانی شود.

- اغوشی

بش

کلانشه

فیبروسکلیک

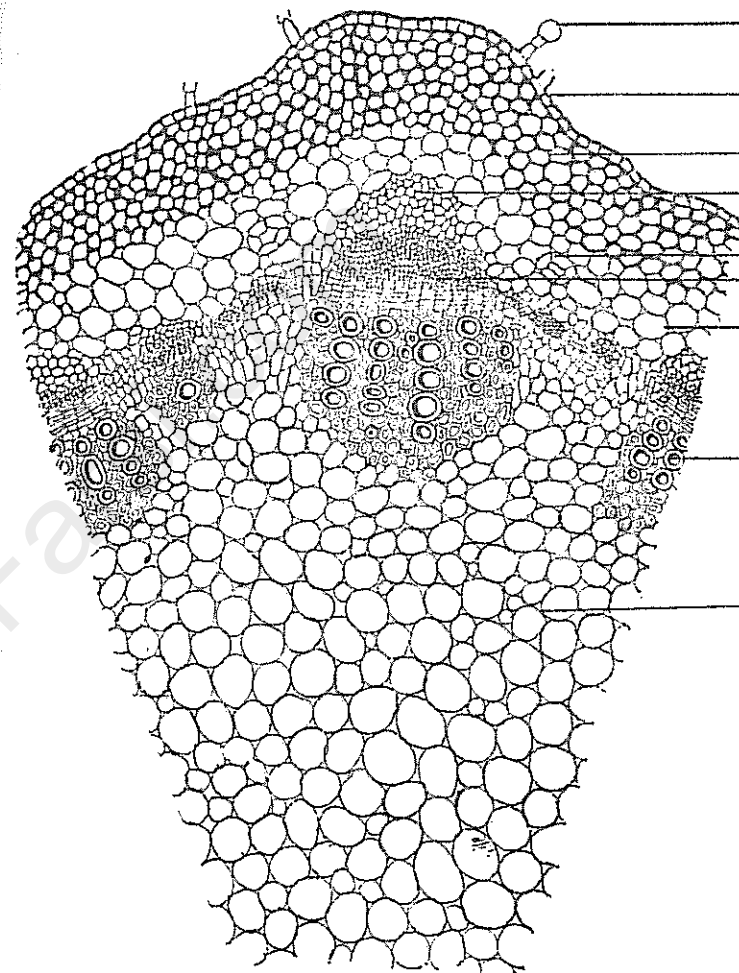
مخای ششی

آبکس

پارانشیمیسی

چوب

مخ

ش ۵۶ - *Xanthium spinosum* : برش عرضی ساقه نسبتاً جوان

امروزه پراکنندگی وسیع این گیاهان را مربوط به اختصاصات میوه و سهولت انتقال آن از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر می‌دانند.

داسها، مانند گاو و بز، گیاه کامل و مخصوصاً میوه آنرا می‌خورند.

ترکیبات شیمیائی - مواد رزینی، اسانس .

خواص درمانی - روسیان قدیم از این گیاه تنطوری تهیه می‌نمودند که با آن، موی سر را به رنگ زرد بلوند در می‌آوردند. از این تنطور در صنعت نیز هنوز هم استفاده بعمل می‌آورند.

کلیه قسمتهای این گیاه، اثر سرد، ضد خنازیر و التیام دهنده دارند. برگهای آن دارای طعم تلخ و اثر قابض است و سابقاً برای رفع تب نوبه و بیماریهای پوستی بکار می‌رفته، ولی امروزه مصرف آن از نظر درمان بیماریها بکلی بین مردم متروک گردیده است.

محتل رویش - حاشیه رودخانه سفید رود، رودبار در ارتفاعات ۲۰۰ متری : اطراف میش کش، شمال هرزویل، (راسین زرگری)، اطراف رشت، پیربازار، آذربایجان، اطراف تبریز، نواحی مختلف شمال ایران و اطراف کرج.

### *Xanthium Strumarium* L.

فرانسه : Petite - Bardane, Lampourde انگلیسی: Burrweed, Small burdock

آلمانی : Gemeine spitzkette ایتالیائی: Bardana minor, Lappolon, Xantio

عربی : بادنجان بری، خروع بری (Khirwa' barri)

گیاهی یکساله، دارای ساقه زاویه دار، خشن و برگهای پهن و منقسم به ۳-۵ لوب عمیق دنداندار و منتهی به دمبرگ دراز است. غالباً با گونه قبلی ویا به فاصله کمی از آن در یک محل یافت می‌شود. کاپیتولهای آن به تعداد کم یا چندتائی، در محور ساقه ویا در رأس انشعابات آن ظاهر می‌گردد. میوه اش فندقه، بیضوی و به طول ۱-۱٫۵ سانتیمتر می‌باشد. در نواحی مختلف اروپا و آسیا، منجمله ایران، هندوسیلان پراکنندگی دارد.

ترکیبات شیمیائی - مواد پروتیدی به مقدار ۳-۷ درصد، مواد چرب، ساکارز به مقدار ۳۳-۳۵ درصد، اینولین، اسانس، نوعی گلوکزید به نام گزانثین - استرومارین xanthostrumarine ویک ساده رزینی به نام گزانثواسترومین xanthostrumine و گزانثانتین xanthantine (سرکت ایندکس) است.

گزانثانتین Xanthatine، به فرمول  $C_{15}H_{18}O_8$  و به وزن ملکولی ۳۴۶٫۳۹ است. از گیاه مذکور، *X. pensylvanicum* Wallr. و همچنین انواع دیگر آنها به دست آمده و استخراج شده است (۱).

گزانثانتین، به صورت بلورهای سوزنی شکل مسطح، در ستانول یا اتانول به دست می‌آید. در گرمای ۱۱۴-۱۱۵ درجه ذوب می‌شود. در اثر استن والکل حل می‌گردد. به مقدار جزئی در آب داغ که pH خنثی داشته باشد محلول است. اثر ضد میکروبی دارد. دو سده اخیر در دانه گیاه وجود دارد. بررسی Zander در سال ۱۸۸۱ نیز وجود گلوکزید مذکور را در گیاه محقق داشته است.

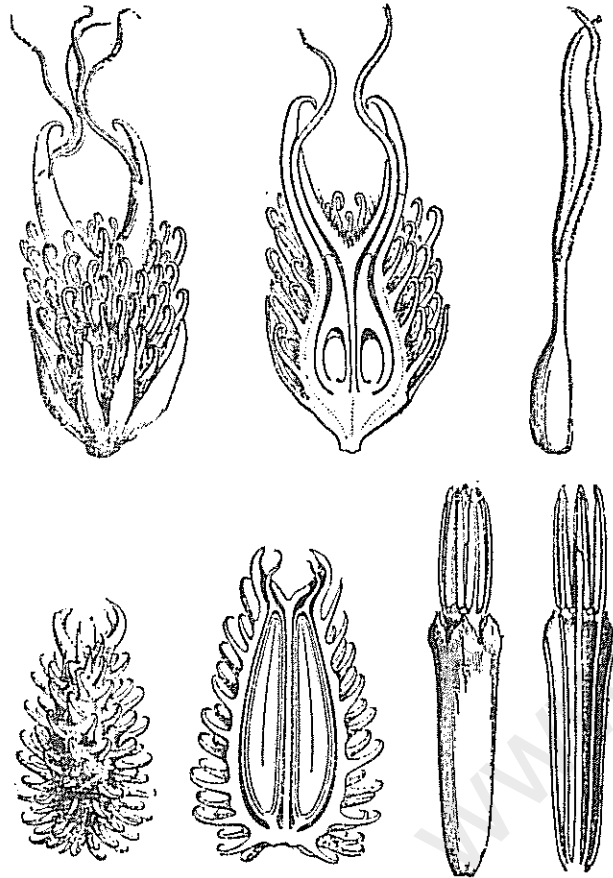
سبز دانه گیاه، ۳۰ تا ۳۰ درصد روغن، به حالت روان (پس از استخراج) دارد. وزن مخصوص روغن در گرمای ۲۰ درجه، بین ۰.۹۱۲ و ۰.۹۱۷، اندیس صابونی شدن آن، ۱۸۵ تا ۱۹۵ و اندیس ید آن، ۱۲۲ تا ۱۴۲ است.



ش ۵۷ - *Xanthium strumarium*: سرشاخه گلدار و میوه دار به اندازه طبیعی

اسیدهای چرب اشباع شده آن طبق تجزیه های شیمیائی مختلف که بعمل آمده، برابر ۸۲ درصد و نوع اشباع نشده آنها جمعاً ۰.۹ درصد است که ۲۷ درصد آنرا اسید اولئیک و ۳ درصد آنرا اسید لینولئیک تشکیل می دهند. این روغن، به مصارف روشنائی و در بعضی نواحی هند، به مصارف درمانی می رسد. ولی مصارف تغذیه ندارد. خواصی درمانی - کلیه قستیهای گیاه دارای طعم تلخ، ناپسند و اثر ضد کرم، مقوی،

ملین و اشتها آور است. ریشه اش را در سالجه سرطان مؤثر تصویری نمایند. برای سیوه خاردار گیاه اثر تسکین دهنده تحریکات و التهاب ها قائل اند و بعلاوه آنرا در درمان آبله مؤثری دانند. در بعضی نواحی، جوشانده میوه گیاه را برای درمان و رفع تب سالاریا بکار می برند. در هندوچین از کلیه قسمتهای گیاه به عنوان ملین استفاده می شود. ضمناً عصاره ریشه آنرا بر روی زخم، جوشهای پوست بدن و آبسه ها، اثر می دهند.



ش ۵۸ - *Xanthium strumarium*: گل ساده و برش طولی آن (بالا) گل نر و برش طولی آن - میوه و برش قائم آن (Bail.)

اعضاء این گیاه سابقاً برای رفع خنازیر، نزله ها و جذام بکار می رفته است. اثر مقوی و تصفیه کننده خون نیز برای آن ذکر شده است.

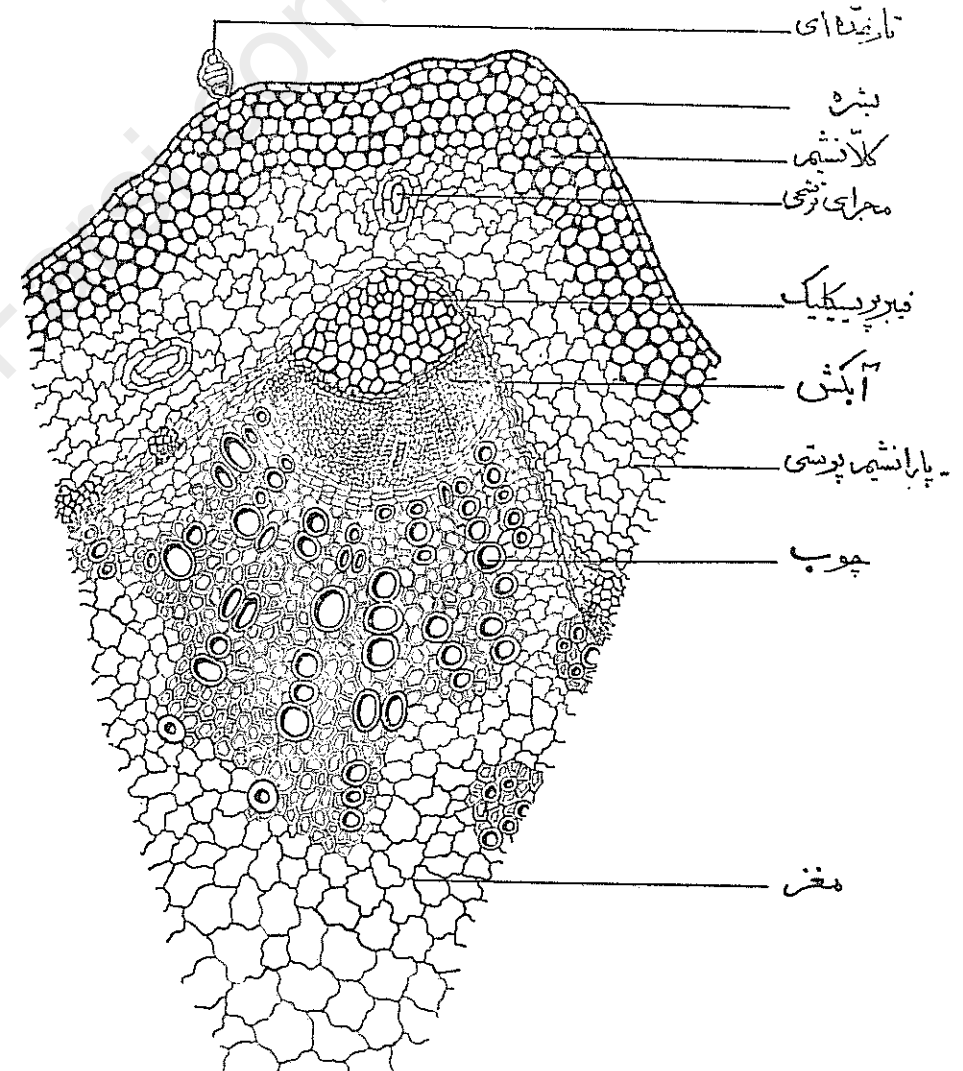
صورت دارویی - مقادیر مصرفی برای هر دو گیاه مذکور به شرح زیر است:

شیره گیاه به مقدار ۰.۸ گرم در روز - دم کرده یا جوشانده ۰.۳ تا ۰.۴ در هزار به مقدار



۳ فنجان در روز (بین هر دو غذا) - عصاره به مقدار ۴ تا ۸ گرم در روز جوشانده . ۰ تا ۱۰ در هزار X. spinosum برای شستشوی موی سر .

استفاده از هر دو گیاه مذکور برای سبازف در سانی امروزه تقریباً بین مردم متروک شده است .  
محل رویش - خراسان، اطراف تهران، مزارع ترامیس، بلوچستان، آذربایجان، بندرگز، گیلان؛ اطراف رشت، لاکان، پیربازار، حاشیه رودخانه سفیدرود، رودبار ناحیه کوشک (باغ محسنی) اطراف منجیل و راه رشت به فوسن .



ش ۹ - Xanthium strumarium : برش عرضی ساقه

## لیگولیفلورها Liguliflorae

این دسته از گیاهان، کاپیتولهای مرکب از گلهای نر - ماده، زبانه ای با پهنک منتهی به دنداندارند. بساک پرچمهای آنها معمولاً در ناحیه رأس، دارای زائده و در قاعده، میختموم به دو دنباله کوچک است بطوری که مجموعاً منظره تیرکمانی پیدا می کند. کلاله آن ۲ شاخه و پوشیده از تار است.

عموماً جام گل زرد رنگ دارند ولی در بین آنها، گیاهانی با گلهای صورتی یا آبی رنگ و غیره نیز دیده می شود.

از جنس های سهم این تیره فرعی Crepis (۲۰۰ گونه)، Lactuca (۱۰۰ گونه) Taraxacum (۱۰۰ گونه)، Hieracium (بیش از ۱۰۰۰ گونه)، Scorzonera (۱۰۰ گونه) و Sonchus (۰ گونه) را نام می بریم.

لیگولیفلورها، دارای اختصاصات تشریحی کلی به شرح زیر می باشند :

- ۱- عده ای از این گیاهان علاوه بر دسته های چوبد آبکش معمولی، دارای دسته های چوبد آبکش فرعی و یا منحصراً دسته های آبکش فرعی در حدود خارجی مغز می باشند.
- ۲- در بعضی از این گیاهان، مجاری ترشجی لاتکس مرکب از سلولهای با جدار حد - فاصل، به وضع منشعب یا مشبک مخصوصاً در ناحیه آبکش مشاهده می گردد.
- ۳- تارهای ساده به اشکال مختلف و تارهای ترشجی مرکب از یک پایه منتهی به رأس چندسلولی، غالباً در آنها دیده می شود که معمولاً در گودی بشره جای دارند.

اختصاصات تشریحی لیگولیفلورها، به علت شباهت زیادی که با تیره های Campanulaceae و Lobeliaceae دارند، آنها را به دو تیره اخیر نزدیک نموده است. چون سیوه این گیاهان متفاوت دارای دسته تاری در انتهای و یا فاقد دسته تار است از این جهت در بعضی رده بندی ها، با توجه به این صفت، آنها را تقسیم بندی می کنند.

I - سیوه فاقد دسته تار (Aigrette) در ناحیه رأس

گیاهان داروئی معدودی در این دسته فرعی قرار گرفته اند که مهمترین آنها اختصاصاتی به شرح زیر دارند :

**Cichorium intybus L.**

C. caeruleum Gilib. ، C. commune Pall.

فرانسه : Chicorée sauvage ، C. Intybe ، Chicorée commune

انگلیسی : Wild succory ، Succory ، Common Chicory ، Chicory

آلمانی : Zichorienwegwart ، Gemeine Wegwart ، Cichorienwurzel

ایتالیایی : C. amara ، Radicchio - buono ، Cicorea salvatica ، Cicoria

فارسی : کاسنی - عربی شکوریه (Shikorayah) ، سرس (Siris)

گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای است که در حالت وحشی، ارتفاعش به ۰٫۶ تا ۱ متر می‌رسد ولی اگر پرورش یابد از دو متر نیز تجاوز می‌نماید. از اختصاصات آن این است که ریشه‌ای قوی، به قطر انگشت، به درازای ۰٫۶ تا یک متر و به رنگ قهوه‌ای دارد ولی اگر قطع گردد، رنگ مایل به سفید نمایان می‌سازد. در داخل ریشه آن، شیرابه‌ای شیرین رنگ جریان دارد. ساقه کاسنی، باریک، استوانه‌ای و دارای انشابات کم در ناحیه مجاور راس است بطوری که منحصرراً در قسمتهای انتهائی ساقه، شاخه‌هایی با حالت فاصله‌دار از محور اصلی، در گیاه دیده می‌شود.

کاسنی، در زمین‌های نسبتاً مرطوب کنار جاده‌ها، اماکن بایر و دامنه‌های کم ارتفاع غالب نواحی اروپا تاحد سوئد، مناطق غربی و مرکزی آسیا و شمال آفریقا به حالت خودروسی روید. در امریکای شمالی نیز به حالت نیمه وحشی در آمده است.

کاسنی، برگهای متناوب و پوشیده از تارهای فراوان در اطراف رگبرگ میانی دارد. شکل ظاهری برگهای قاعده ساقه آن باقیه فرق دارد، مانند آنکه در قاعده ساقه، برگها عموماً دراز، منقسم به قطعات عمیق دنداندار و منتهی به یک قسمت انتهائی مثلث شکل است و هر قدر که به راس ساقه نزدیک‌تر گردیم، برگها کوچکتر می‌شوند و کناره تقریباً ساده و وضع ساقه آغوش پیدا می‌کنند. گلهای زیبا و آبی رنگ کاسنی، در تابستان از تیر تا شهریور ظاهر می‌شود و چون به تعداد زیاد و به شکل فاصله‌دار در طول محور دراز ساقه و انشعابات آن شکفته می‌گردد از این جهت منظره بسیار زیبا به گیاه می‌بخشد.

بعضی از پایه‌های این گیاه نیز متناسب شرایط متفاوت محیط زندگی، دارای گلتهائی به رنگهای سفید یا گلی می‌باشند.

در هر کاپیتول کاسنی، ۱۸ تا ۲۰ گل زبانه‌ای منتهی به ۰ دندانده دیده می‌شود که در

انولوکری سبزرنگ و مرکب از ۲ ردیف براکنه واقع اند. میوه آن فندقه، ع سطحی، نسبتاً سطح و منتهی به مجموعه‌ای از فلسهای بسیار کوچک است.



ش ۶ - Cichorium intybus : شاخه گلدار کاسنی - قاعده ساقه و ریشه (به اندازه طبیعی)

کاسنی، گیاهی است که در نواحی مختلف، بتفاوت به‌صورت یکساله، دو ساله و چندساله در می‌آید. از مشخصات آن این است که گلنایش در مقابل تابش نور خورشید، حالت شکفته و باز شده به‌خود می‌گیرند در حالی که هنگام غروب آفتاب یا موقع شب، یا در هوای مه‌آلود

ویا بارانی، گل‌های واقع بر روی کاپیتول، به هم نزدیک می‌گردند و آنرا به صورت ناشکفته جلوه می‌دهند.

پرورش کاسنی، مراقبت زیاد لازم ندارد. از نظر درمانی نیز ریشه ضخیم و گوشتدار و برگ‌های قاعده ساقه و حتی گل و دانه آن مورد توجه است که آن‌هم اگر از گیاه وحشی به دست‌آید مزیت بیشتری دارد.



ش ۱- شاخه گلدار و جوانه دار کاسنی

در موقع خارج کردن ریشه کاسنی از زمین باید به این نکته توجه شود که ریشه‌ها در آخر سال اول، از زمین خارج گردد زیرا در غیر این صورت اگر دیرتر به دست‌آید، حالت گوشتدار-

بودن آن از دست می‌رود و سخت و چوبی و غیر قابل استفاده می‌شود. برگ کاسنی را باید سوهی از ساقه جدا کرد که در مرحله رشد کامل باشد زیرا در غیر این صورت به نسبتی که زودتر چیده شود، به نمو ریشه گیاه زیان وارد می‌آورد.

کاسنی، در زمین‌های آهکی- رستی که رطوبت کافی داشته و به خوبی آنرا شخم زده باشند بهتر رشد می‌کند. برای پرورش آن، دانه گیاه را در اوایل اردیبهشت بر روی خطوطی به فواصل ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر از یکدیگر می‌کارند.

کاسنی دارای وارسته‌های متعددی برای پرورش دادن است که بعضی از آنها برگ‌های پهن و برخی دیگر، برگ‌های موجدار و منقسم دارند.

قطعات ریشه کاسنی را معمولاً پس از بودادن، به صورت گرد درآورده مانند قهوه به مصرف می‌رسانند ولی گرد مذکور که Chicorée - café نامیده می‌شود، طعم و بو و عطر مطبوع قهوه را فاقد است.

**اختصاصات تشریحی**- ریشه کاسنی در پرش عرضی، اختصاصات تشریحی زیر را نشان می‌دهد:

- ۱- لایه‌های چوب پنبه، مرکب از سلول‌های مسطح و قرصی شکل که به وضع منظم، به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند.
- ۲- پارانشیم پوستی که از سلول‌های ریز و فشرده به هم تشکیل می‌یابد و در داخل آنها انشعابات لاتیسفرها دیده می‌شود.
- ۳- عناصر آبکشی مرکب از سلول‌های چند وجهی کوچک که امتداد اشعه مغزی، آنرا قطع می‌نماید.
- ۴- ناحیه چوب، شامل پارانشیم چوبی، آوندهای چوبی متعدد و لاتیسفرها. لاتیسفرهای ناحیه چوب عموماً محتوی لاتکسی به رنگ مایل به قهوه‌ای و کاملاً مشخص می‌باشند.

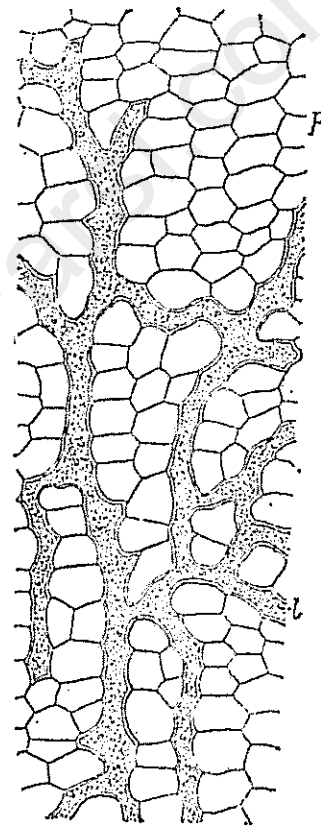
در حد فاصل ناحیه چوب و آبکش، لایه کاسیوم قرار دارد که به خوبی در زیر میکروسکپ تشخیص داده می‌شود.

در برش طولی ریشه کاسنی، سجاری ترش‌جی لاتکس محتوی شیرابه، به صورت شبکه‌ای قابل تشخیص است.

**ترکیبات شیمیائی**- برگ کاسنی دارای اسلای نظیر سولفات‌ها و فسفات‌های سدیم، منیزیم و پتاسیم و نترات پتاسیم است. گلوکزید تلخی به نام شیکورین Chicorine یا سیکورین Cichorine نیز در آن یافت می‌شود.

گل‌های آن بعلاوه دارای سیکوری‌ئین می‌باشد که ایزوساسکولین esculine است. سیکوری‌ئین Cichoriine، به فرمول  $C_{15}H_{14}O_9$  و به وزن ملکولی ۳۴۰.۲۸ است. در گل‌های کاسنی یافت می‌شود. استخراج آن توسط Merz (1) انجام گرفته و بعداً توسط محققین دیگر سنتز گردیده است (2).

سیکوروئین به صورت بلورهای سوزنی شکل با ۲ ملکول آب تبلور به دست می‌آید. در گرمای ۳۱۳ تا ۲۱۵ درجه پس از خشک شدن در دستگاه‌های خشک کننده، ذوب می‌شود. در آب، الکل و اسید استیک محلول است. در اتر و اتر دیپترول حل نمی‌شود. در قلیائیات رقیق قابلیت انحلال دارد و محلول زرد رنگ بدون فلورسنس (اختلاف آن با اسکولین) ایجاد می‌کند.



برش طولی ریشه کاسنی  
و نمایش مجاری ترشحی لاتکس  
P-پارانیشیم 1-لاتکس

ریشه کاسنی دارای ۱۱ تا ۱۵ درصد اینولین، ۱۰ تا ۲۲ درصد قندهای نظیر گلوکز، لولوز و ساکارز، یک ساده‌رزینی، سوسیلاز، مقدار کمی تانن، اسانس، پکتین، لوولین Levuline و شیکورین است که به سهولت در آب، تبلور حاصل می‌کند. مقدار درصد اینولین که به حالت محلول در شیره سلولی اعضای گیاه وجود دارد تدریجاً در پائین زیاد می‌گردد در حالی که مقدار آن در بهار، به حداقل می‌رسد. برگ و ریشه گیاه دارای ویتامین های B، C، K و P است.

بر اثر بودادن ریشه کاسنی، مقدار درصد قندهای احیاء کننده آن کاهش حاصل می‌کند و ساکارز و اینولین آن کم می‌شود. گرد ریشه بوداده کاسنی، به علت مصارف زیادی که در بعضی نواحی اروپا دارد، پیوسته در معرض استفاده (به حالت ساده یا مخلوط در گرد دانه قهوه) قرار می‌گیرد.

1 - Merz, Arch. Pharm. 270,476 (192).

2 - Head, Robertson, J. Chem.Soc. (1939) 1266.

ریشه بو داده کاسنی بازار تجارت طبق بررسی‌های دانشمندی نظیر Koenig, Wolf، Beckurts و Pellerin، دارای ترکیباتی به شرح زیر است:

آب	تا	درصد
مواد ازته	۶	۷۲.۵
قندهای احیاء کننده	۱۵	۲۶
اینولین، دکسترین و غیره	۶	۱۲
خاکستر باقیمانده	۴۸.۰	۷۲.۶
مواد چرب	۰.۷۳	۲۷.۴
مجموع مواد محلول در آب	۵۴	۶۵

**تاریخچه** - مصرف کاسنی از قدیم‌الایام بین ملل مختلف معمول بوده و تاریخ استفاده از آن، به قرون قبل از میلاد مسیح نسبت داده می‌شود. شهرت درمانی آن در این زمانها، بیشتر به جهت آن بوده است که عموم مردم، آنرا، گیاهی مفید برای کبد می‌دانسته‌اند. دانشمندی نظیر Dioscoride، Pline و جالینوس، برای آن اثرات درمانی متعددی قائل بوده‌اند، سالاد کاسنی را مقوی معده می‌دانسته‌اند و شیره گیاه را برای رفع درد چشم و مسمومیت‌ها، به یکدیگر توصیه می‌نموده‌اند. پرورش کاسنی تدریجاً به علت زیبایی خاصی که گیاه پس از گل دادن پیدا می‌کند، در بعضی باغ‌های سلطنتی معمول گردید و توجه مردم نسبت به آن در قرون وسطی زیاد شد. از این زمان به بعد، چون مردم به صفات درمانی آن پی برده بودند، آنرا به صورت یک گیاه داروئی مفید و مؤثر به یکدیگر معرفی می‌نمودند و چون ظاهر گیاه طوری است که شناختن آن به سهولت امکان پذیر است، از این جهت استفاده از گیاه، در طی مدتی کوتاه، بین مردم معمول گردید بطوری که هنوز هم کاسنی شهرت درمانی خود را از دست نداده است و بسیاری از مردم به اثرات درمانی آن اعتقاد زیاد دارند و از آن، در رفع بیماریهای مختلف که بدان اشاره می‌شود استفاده بعمل می‌آورند.

**خواص درمانی** - کلیه قسمتهای گیاه مخصوصاً ریشه و برگهای آن، اثر مقوی، مقوی معده، مدر، تصفیه کننده خون، ملین صفرا و تب بر دارد و از آن به عنوان اشتها آور (در ضعف عمل - دستگاه هضم)، درمان قولنج‌های کبدی، زردی، نارسائی اعمال کبد و هیستری، وجود خون در ادرار، اخلاط خونی، آب آوردن انساج، تبهای نوبه، تبهای مخاطی و بیماریهای مزمن پوست در حالات خفیف، استفاده بعمل می‌آورند.

کاسنی در دفع رسوبات ادراری، عفونت مجاری ادرار، کم‌خونی و درمان نقرس و رماتیسم اثر معالج دارد.

بررسی‌های گروه محققین هندی نشان داده است که ریشه کاسنی اثر قاطع در رفع ورم التهابی لثه دندان و حتی در سوزادی که با خونریزی همراه باشد، اثر نشان می‌دهد و اگر عصاره آبی یا الکلی گیاه بر روی لثه هامالیده شود و یا ماساژ داده شود، در رفع التهاب و التهاب‌های همراه با خونریزی لثه، مؤثر واقع می‌گردد. بعلاوه اگر در فرسول خمیر دندانها وارد شود، اثر ضد میکروبی قوی ظاهری کند و حتی در این مورد اثر میکروب کشی آن، از بعضی آنتی بیوتیک‌ها قوی‌تر ذکر شده است (۱).

در نواحی شمال ایران، با قرار دادن قسمت گوشتدار ریشه کاسنی به مدت ۸ تا ۱۲ ساعت در آب سرد، خمیسانده‌ای باطعم تلخ و ناپسند تهیه می‌نمایند که پس از صاف کردن، در صبح ناشتا به عنوان داروی کمکی جهت رفع تب مالاریا مورد استفاده قرار می‌دهند.

از ریشه کاسنی، مخلوط با اعضای گیاهان داروئی دیگر، شربت‌هایی به نام شربت روبراب کمپوزه (Rhubarbe composé) یا شربت کاسنی مرکب (Chicorée composé) به شرح زیر تهیه می‌شود: این شربت مدتهاست که به عنوان بهترین ملین اطفال، مورد استفاده مردم کشورهای مختلف قرار می‌گیرد (Dorvault).

روبارب (ریوند چینی)	۲۰۰ گرم
ریشه کاسنی	۲۰۰
برگ خشک کاسنی	۳۰۰
— شاه تره	۱۰۰
زنگی دارو (Phyllitis scolopendrium)	۱۰۰
بیوه عروسک پشت پرده	۵۰
دارچین سیلان	۲۰
چوب صندل (Santalum album)	۲۰
قند	۳۰۰۰

آبمقطر به مقدار کافی

ابتدا روبارب، دارچین و چوب صندل را که قبلاً به قطعاتی تقسیم کرده‌اند در داخل ظرفی جای می‌دهند و مقدار یک لیتر آب ۸۰ درجه به آن می‌افزایند و بمدت ۶ ساعت دم می‌کنند سپس محلول را با فشار خارج کرده، مایع حاصل را از کاغذ صافی عبور می‌دهند و بدون استفاده از حرارت، به هر ۱۰۰ قسمت محلول، ۱۸۰ قسمت قندی می‌افزایند تا شربت تهیه شود. تفاله

باقیمانده را با بقیه مواد دیگر که قبلاً آنها را به قطعاتی درآورده‌اند، مخلوط کرده مقدار ۱ لیتر آبجوش بر روی آنها می‌ریزند و به مدت ۱۲ ساعت به حال خود می‌گذارند تا دم کند سپس با فشار صاف می‌کنند و به محلول صاف شده، بقیه قند را می‌افزایند و پس از حرارت دادن و صاف کردن، شربت قبلی را به آن می‌افزایند و با گذراندن از پارچه نازک مجدداً صاف می‌کنند (کد کس ۱۹۳۷).

شربت روبراب کمپوزه را با استفاده از عصاره تغلیظ شده نیز تهیه می‌نمایند (کد کس ۱۹۴۹). این شربت به عنوان ملین می‌تواند مورد استفاده کودکان کان قرار گیرد. مقدار مصرف آن، ۱۰ تا ۳۰ گرم برای اطفال ۳۰ ماهه تا ۱۰ ساله است.

#### دم کرده جهت رفع یبوست

ریشه گزنه	۲۰ گرم
ساقه تاجریزی پیچ	۲۰
پنیرک (گل)	۲۰
ریباس اسود (Ribes nigrum) (برگ)	۲۰
زیرفون (گل)	۲۰
سیاه‌توسه (Frangula alnus) (پوست ساقه)	۲۵
کاسنی (برگ)	۲۰
ریوند چینی (ریزوم)	۱۰

اعضای خشک گیاهان مذکور را مخلوط کرده، بر حسب یک قاشق سوپخوری برای هرفنجان، دم کرده‌ای به شرح زیر تهیه می‌کنند:

پس از وارد کردن مخلوط گیاهان مذکور در آب، بمدت ۲ دقیقه آنرا می‌جوشانند سپس یک قاشق قهوه‌خوری به نسبتی که ذکر شد بدان برگچه سنا می‌افزایند و ظرف محتوی آنها را به حال خود می‌گذارند تا به مدت ۱۰ دقیقه دم کند. به دم کرده حاصل، پس از صاف کردن می‌توان مقدار کمی عسل اضافه کرد. مقدار مصرف آن، یک فنجان معمولی هنگام شب، قبل از خوابیدن است.

در استعمال خارج، قرار دادن برگهای تازه و له شده کاسنی بر روی پوست بدن، برای آرام کردن ناراحتی‌های جلدی ناشی از التهاب و تحریکات سطحی، توصیه گردیده است.

صورت داروئی - دم کرده ۸ تا ۱۰ در هزار برگهای تازه و یا جوشانده برگهای خشک در آب (پس از ۱۰ دقیقه جوشاندن، به مدت ۱۰ دقیقه دم کنند) به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا -

دم کرده ۲۰ تا ۳۰ در هزار گل - دم کرده یا جوشانده ۱۰-۲۰ در هزار ریشه (تا ۶ در هزار) - شیر تازه کاسنی به مقدار ۳۰ تا ۲۰ گرم مخلوط در شاه تره، بولاق اوتی و کاهو به نسبت های مساوی - عصاره به مقدار ۱-۲ گرم به صورت حب - شراب کاسنی (مخلوط گرد دانه کاسنی با شراب) - از شیر کاسنی شربتی به طریق زیر تهیه می گردد که اثر رفع یبوست مخصوصاً در اطفال کوچک دارد:

مقدار ۰۰ گرم قند را در نیم لیتر شیر گیاه حل کرده آنرا می جوشانند تا به غلظت شربت در آید سپس به مقدار ۳ تا ۴ قاشق صبح ناشتا مصرف می کنند. برای اطفال، مقدار کم این شربت باید بکار رود.

مخلوط مساوی شیر برگ کاسنی با شیر برگ گیاهان دیگر مانند شاه تره (*Fumaria officinalis*)، بولاق (علف چشمه) و کاهو اگر به مقدار ۶۰ تا ۱۲۰ گرم در روز مصرف شود اثر نافع و درمانی در رفع بیماریهای ذکر شده دارد (کدکس).

ریشه خشک کاسنی را پس از آنکه به صورت پودر در آمد، مانند قهوه و بهمان نحو به مصارف تغذیه می رسانند. دارای اثر مقوی روده، ملین ملایم و محرک اشتهاست. برای بیماران مبتلا به تبلی و خستگی کبد، دم کرده ۰۰ در هزار آن در آب، به مقدار یک فنجان هنگام صبح و شب، اثر بسیار نافع دارد.

محل رویش: کاسنی، پراکنندگی وسیع در نواحی مختلف ایران دارد چنانکه در داسندهای کم ارتفاع البرز، راه قزوین به رشت، اطراف رودبار، اطراف تهران، کرج، آذربایجان، ارومیه و نواحی دیگر آن. گیلان: اطراف رشت، لاهیجان، فارس. بلوچستان، آبادان، نواحی کوهستانی خراسان: بین بجنورد و مشهد در ۱۰۰ متری، بین مشهد و فریمان در ۱۰۰ تا ۳۰۰ متری (احمد مایران) و بسیاری از مناطق دیگر ایران دارد.

*Cichorium Endivia L.* (آندیو) - نوعی کاسنی وحشی با تلخی کم تر است. برگهای آن دارای بریدگیهای زیاد و حالت موجدار می باشد و از آن در کشاورزی، نژادهای مختلف با ظاهر متفاوت به دست آورده اند.

خواص درمانی آن شبیه به کاسنی ولی با اثر خفیف تر است.

پرورش نمونه هائی از آن در ایران معمول است.

مدتها سنشاه اصلی این گیاه را نواحی مختلف هند تصور می نمودند ولی بررسی های علمی نشان داد که در هیچ زمانی به حالت وحشی در هند وجود نداشته است. دانشمند گیاه شناسی به نام Visiani (در فلور دالماسی جلد دوم صفحه ۹۷) و Boissier و Schultz (در

(*Flora orientalis III. p. 391*)، دو کاندول (در کتاب منشاه گیاهان پرورش یافته چاپ دوم صفحه ۷۷)، آندیو را مشتق از نوعی کاسنی به نام *Cichorium pumilum Jacq.* ذکر نموده اند. گیاه اخیر به حالت وحشی در منطقه مدیترانه، مراکش، الجزیره تا فلسطین، قفقاز و ترکستان وجود دارد.

آندیو در فرانسه ابتدا برای مصارف درمانی به کار می رفته است ولی بعد از تغییر رنگ و سفید کردن برگهای آن (با قرار دادن گیاه در فصل زمستان، در داخل ماسه نرم)، آنرا به مصارف تغذیه رسانیدند.

نوعی از آندیو که به مصارف تغذیه می رسد دارای دو وارپته یا گونه فرعی با ظاهر کاملاً متفاوت ذکر شده است که یکی از آنها *Var. crispata* یا *Chicorées frisées* می باشد و برگهایی با بریدگیهای مجعد دارد و دیگری *Var. latifolia* یا *Scaroles* است که برگهایی پهن با پهنک کامل و حاشیه موجدار دارد.

از نوع اول. امروزه وارپته های متعددی در کشاورزی به دست آورده اند که بعضی از آنها تلخی زیاد دارد و کمتر به مصارف تغذیه می رسد (۱).

*Rhagadiolus stellatus (L.) Wild.* - گیاهی علفی و دارای ساقه ای با تقسیمات دوتائی است. برگهایی با کناره های بریده، دنداندار و یا عاری از آن دارد. کاپیتولهای آن دارای گلتهائی به رنگ زرد و واقع بر روی دمکلی دراز است. برگهای آن به حالت خام مصرف می شود.

در گیلان: رودبار، زنجان، میانه در ۱۰۰ متری. کرمانشاه، گیلان غرب، لرستان: شهبازان، خوزستان: شوش، مسجد سلیمان، فارس: کازرون، دالکی و قزوین می روید.

*Hypochoeris maculata L.* \* در نواحی شمالی اروپا و بعضی نقاط آسیا می روید. سابقاً از آن برای درمان سل استفاده به عمل می آمده است. ریشه اش به مصارفی شبیه آرنیکا می رسد.

نام عربی آن نبات الخنازیر است.

نوعی دیگر آن *H. glabra L.* \* است که در بعضی نواحی آسیا پراکنندگی دارد و ریشه اش به عنوان تصفیه کننده خون مصرف می شود.

**Lapsana communis L.** (1)

L. crispa Willd. ، L. macrocarpa Coss.

فرانسه : Saune blanche ، Herbe aux mamelles ، L. commune ، Lapsane

انگلیسی : Common nipplwort ، Nipple - Wort ، Lapsano

آلمانی : Milchen ، Hasen-Kohl ، Gemeine-Milche ، Gemeiner-Rainkohl

عربی : لپسانه

گیاهی علفی یکساله و دارای ساقه راست باریک و به ارتفاع ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. در جنگلهای غیرانبوه، بیشه‌ها، کشتزارها، اراضی بایر و مرطوب و حتی بر روی دیوارهای کهنه غالب نواحی اروپا، مغرب آسیا و شمال آفریقا می‌روید. در امریکای شمالی نیز تا حد اقیانوسیه پراکندگی حاصل نموده‌است. پیشروی آن در ارتفاعات، تا ۱۸۰۰ متری کوههای آلپ است ولی به نواحی مرتفع‌تر نیز ممکن است نفوذ پیدا نماید.

ارتفاع ساقه این گیاه، در نواحی مساعد به ۱۲۵ متر نیز رسیده است. برگهای آن، رنگ سبز نسبتاً تیره و شکل متفاوت در قسمت قاعده ساقه و یا در طول آن تا حد گل آذین دارد بطوری که پهنک برگهای آن در قاعده ساقه منقسم به قطعات کوچک و نامنظمی است که در انتهای یک قطعه بزرگ و دنداندار ختم می‌شود در حالی که بتدریج که به رأس ساقه نزدیک می‌شویم، قطعات کوچک تدریجاً از بین می‌رود و منحصراً، برگها شامل یک پهنک دنداندار و نوک تیز و یا علاوه بر آن دارای زائده‌های کوچکی در قاعده می‌گردد. قسمت انتهائی ساقه آن نوعی آفتاب دو قسمتی پیدا می‌کند که آخرین حد هر یک از آنها به یک گل زرد ختم می‌شود و از مجموع آنها منظره گل آذین خوشه مرکب، به وجود می‌آید. از اختصاصات گل‌های این گیاه آن است که در اواسط روز، حالت ناشکفته پیدا می‌کند که خود در تشخیص گیاه کمک مؤثر می‌نماید. بر روی کاپیتولهای آن، به تفاوت ۸ تا ۱۰ گل زرد زبانه‌ای محصور در یک ردیف پراکنده دیده می‌شود.

میوه آن کوچک، شفاف، به طول ۰٫۵ میلیمتر و فاقد دسته تار (Aigrette) در انتهاست.

**خواص درمانی** - برگهای تازه این گیاه را می‌توان به صورت خام در سالاد مصرف نمود. تمام قسمت‌های این گیاه اثر ملین دارد. شیره تازه گیاه اگر بر روی بریدگیهای پوست بدن اثر داده شود، التیام آنها را تسریع می‌کند. له شده برگهای آن به صورت ضماد اگر بر روی ترك و شکافها مطحنی پوست مخصوصاً نوک پستان زنان شیرده گذاشته شود، التیام و بهبود آنرا باعث می‌گردد.

۱- جنس Lapsana به صورت Lampsana نیز در کتب علمی وارد شده است.

**محل رویش** - نواحی شمالی ایران، داسنه‌های البرز، ارتفاعات عمارلو: ناحیه اطراف کبوتر چاک (در سایه درختان منطقه نسبتاً جنگلی). گرگان: کوه شاهوار، نزدیک حاجی لنگ در ۲۴۰۰-۲۶۰۰ متری. سازندران: دره چالوس در ۱۷۰۰ متری، جنوب آمل آذربایجان: جنوب غربی ارومیه در ۲۰۰۰-۲۲۰۰ متری، قزوین، راه تهران به چالوس در حاشیه جاده مغرب ایران کرمانشاه: نزدیک سراب اسکندر.

**II - میوه دارای دسته تار (Aigrette) در ناحیه راس****Lactuca virosa L.**

فرانسه : Laitue puante ، L. fétide ، L. sauvage ، Laitue virose

انگلیسی : Strongscented lettuce ، Acrid lettuce ، Hemlock lettuce

آلمانی : Wilder Lattich ، Stinkender lattich ، Giftiger - lattich

ایتالیائی : Allubbyne ، Finocchio aquaiolor ، Lattuga valenosa ، عربی: اللبین

گیاهی است علفی و دوساله (در حالت وحشی) که بطور خودرو در سزارع و کنار جاده‌ها، بوستانها و داسنه‌های سنگلاخی غالب نواحی جنوبی اروپا، جزیره کورس، فرانسه، شمال آفریقا، الجزیره و بعضی نواحی آسیا و ایران می‌روید. برگهای آن پهن، سوجدار، نامنظم و دارای بریدگیهای عریض و دنداندار است. از مشخصات آن این است که رگبرگ میانی پهنک برگ آن در سطح تحتانی از تارهای سوزنی شکل خارمانند و فراوان پوشیده می‌باشد. کاپیتول‌های آن منحصراً شامل گل‌های کوچک زبانه‌ای به رنگ زرد روشن است. میوه اش فندقه، دراز، به رنگ قهوه‌ای یا کمی مایل به سیاه، شفاف یا پوشیده از کرک و منتهی به یک دسته تار است.

در تمام قسمت‌های این گیاه، مجاری ترش‌جی لاتکس به صورت شبکه پراکنده دارد بطوری که به مجرد ایجاد شکاف، شیرابه فراوان از آنها خارج می‌شود. از تبخیر و تغلیظ شیرابه خارج شده از اعضای این گیاه، عصاره کم‌ویش خشکی با ظاهر شبیه تریاک معمولی به دست می‌آید که **لاکتوکاریوم** Lactucarium نامیده می‌شود.

**لاکتوکاریوم**، از گونه‌های دیگر Lactuca ها نیز به دست می‌آید ولی در کس ۸۴، نوع حاصل از اعضای گیاه مذکور و دو گونه L. sativa L. و L. scariola L. مورد استفاده ذکر شده است.

برای تهیه لاکتوکاریوم، شکافهای موربی در ساقه گیاهان مذکور و وارپته‌های آنها ایجاد می‌کنند و این عمل را ۲ تا ۳ دفعه به فاصله هر ۱۰ روز تکرار می‌نمایند. شیرابه خارج

شده از ساقه گیاهان را نیز در لیوانی جمع کرده به داخل ظروف چوبی می‌ریزند و با استفاده از گرمای خورشید، تغلیظ نموده به صورت قطعاتی به وزن ۳ تا ۵ گرم در می‌آورند. این قطعات، ابتدا رنگ روشن دارد ولی به سرعت تحت اثر دیاستازهای موجود در آن، تیره رنگ و قهوه‌ای می‌گردد. روشهای مختلف دیگری نیز برای خروج شیرابه از گیاهان مذکور وجود دارد مانند آنکه در آلمان و کشورهای دیگر، ساقه گیاه را قطع می‌کنند و سپس شیرابه خارج شده از آنرا، در ظروف مخصوص جمع‌آوری می‌نمایند. لاکتوکاریوم، طعم تلخ و بوی ناپسند دارد و اگر تحت اثر گرمای زیاد قرار گیرد ابتدا آسای می‌کند و بعداً با شعله دود دار می‌سوزد. در کشور آلمان، لاکتوکاریوم را از *L. virosa* L. و *L. scariola* L. تهیه می‌کنند. طعم این نوع لاکتوکاریوم بسیار تلخ و بوی آن قوی است.



ش ۶۲ - *Lactuca virosa*: دو قسمت از سرشاخه گلدار (۲/۳ طبیعی). A. Seyb.

ترکیبات شیمیائی - لاکتوکاریوم دارای لاکتوسیرین *lactucérine* (لاکتوکون *Lactucone*) است که در واقع اتراستیک دونوع الکل ثانوی اشباع شده به نامهای لاکتوسرول آلفا و بتا ( $\alpha, \beta$  *lactucérol*) می‌باشد ضمناً دارای مواد دیگری نظیر اسید لاکتوسیک *ac. lactucique* همراه با لاکتوکوپیکرین *lactucopicine* و لاکتوسین *lactucine* (Gray و Schmack) است.

لاکتوسیرین که بیش از ۸۰ درصد لاکتوکاریوم را تشکیل می‌دهد، ماده‌ای است با واکنش خنثی و حالت غیر محلول در آب که با قرار دادن لاکتوکاریوم در الکل جوش، از آن به دست می‌آید.

بطور کلی در لاکتوکاریوم‌ها علاوه بر مواد مذکور، ترکیباتی نظیر کائوچوک، مانیت، مواد معدنی، قند و به مقدار قابل ملاحظه از ویتامین E یافت می‌شود.

بعضی از محققین نیز، سمیت لاکتوکاریوم را بیشتر مربوط به هیوسیامین موجود در آن ذکر نموده‌اند.

**لاکتوسین** *Lactucine*، به فرمول  $C_{10}H_{10}O_6$  و به وزن ملکولی ۲۷۶٫۳۰ است. در انواع مختلف *Lactuca* و همچنین در کاسنی *Cichorium intybus* L. یافت می‌شود. استخراج آن توسط Graf، Schenck (1) و تصفیه و تهیه آن به حالت خالص توسط Späth و همکارانش صورت گرفته است.

لاکتوسین به حالت متبلور در اتانول به دست می‌آید. در گرمای ۲۲۸-۲۳۸ درجه ذوب می‌شود. در آب، اتانول، متانول و استات اتیل محلول است.

از ترکیبات آن *p*-Hydroxyphenylacetate hydrate (پارا)، به فرمول  $C_{11}H_{12}O_6$  می‌باشد که همان انتی‌بین *intybine* و لاکتوکوپیکرین *lactucopicrine* است. همانندی آن با انتی‌بین، توسط Schmitt مشخص شده است.

**تاراگزاس ترول** *Taraxasterol* (آلفا-لاکتوسترول  $\alpha$ -*lactucérol*)، تاراگزاس‌ترین (*taraxasterin*) به فرمول  $C_{27}H_{46}O$  و به وزن ملکولی ۴۲۶٫۷۰ است. در گیاه مذکور و انواع *Taraxacum* وجود دارد و استخراج شده است (2). همانندی آن با  $\alpha$ -*lactucérol* توسط Zeller مشخص شده است (در سال ۱۹۲۹).

تاراگزاس ترول، به صورت بلورهای سوزنی شکل در الکل به دست می‌آید. در گرمای ۲۲۱-۲۲۲ درجه ذوب می‌شود. در الکل و اثر به مقدار زیاد ولی در بنزن و کلروفرم به مقدار کم محلول است.

استات آن (لاکتوسیرین *lactucerin*، لاکتوکون *lactucon*)، به فرمول  $C_{23}H_{34}O_7$  است و به صورت بلورهای شش گوش مسطح به دست می‌آید. در گرمای ۲۵۱-۲۵۲ درجه نیز ذوب می‌شود.

1 - Schenck, Graf Arch. Pharm. 274, 537(1936); 275, 36 (1937).

2 - Power, Browning, J. Chem. Soc. 101, 2411 (1912).



در کتب علمی مختلف، دو نوع لاکتو کاریوم، یکی لاکتو کاریوم کشور فرانسه به نام *Lactucarium - French* و دیگری لاکتو کاریوم آلمان به نام *Lactucarium - German* به شرح زیر وارد شده است (سرک اندکس):

الف - لاکتو کاریوم فرانسه که تولید اس *Thridace* نامیده می شود، شیر غلیظی است که از *Lactuca sativa L. Var. capitata L.* به دست می آید. در ترکیب آن، هیوسیامین، لاکتوسین و سانیست وجود دارد. این نوع لاکتو کاریوم پس از خشک شدن، به صورت قطعاتی به رنگ قهوه ای و یا به حالت گرد (پودر) در معرض استفاده قرار می گیرد. بوئی مشابه بوی تریاک دارد و قسمتی از آن در آب، الکل و اتر حل می شود.

ب - لاکتو کاریوم آلمان، *Lettuce Opium* نام دارد و شیرابه خشک شده ای است که از شیر شیری رنگ *Lactuca virosa L.* به دست می آید. مواد تشکیل دهنده آن عبارت از ۲ درصد لاکتوسین، ۵ درصد لاکتوسول، هیوسیامین، اسید لاکتوسیک، کائوچوک، اسانس و سانیست است.

این نوع لاکتو کاریوم، به حالت گرد و برنگ قهوه ای یا به صورت قطعات نامنظم است. طعم تلخ دارد. قسمتی از آن در آب، الکل و اتر حل می شود. باید در جای خشک نگهداری شود.

دارای اثر آرام بخش است.

**خواص درمانی** - اعضای مختلف این گیاه اثر سدر دارد و از آن در بیماریهای مختلف مانند آب آوردن انساج، استسقاء، وخیز عمومی بدن نتایج مفید به دست آورده اند و چون آرام کننده و در عین حال ملین است، در رفع تنگی نفس، سرفه های تشنج آور، نزله های ششی مزمن، التهاب مجاری دستگاه هضم، یبوست های مزمن، قولنج های کبدی، زردی، خفقان صدری (آنزین دوپوآترین)، دردهای عصبی، دردهای سرطانی مخصوصاً مربوط به رحم (به عنوان آرام کننده)، بکار برده می شود.

ساقه برگدار گیاه اثر کم کننده مقدار قند خون (درمان دیابت)، رفع سیلان سنی، بی خوابی، قاعدگی های دردناک، رفع سیاه سرفه و سرفه های عصبی دارد (Dr. J. Valnet, p.306, Légumes...). لاکتو کاریوم که شیر تعلیظ یافته این گیاه و گونه های دیگر آن است، بتفاوت برای عده ای از محققین فاقد اثر درمانی و برای عده ای دیگر دارای اثر خواب آور ولی به صورت ناپایدار است. بعضی ها نیز آنرا سمی می دانند و برای مصرف نسبتاً زیاد آن این اثر را قائل اند که ایجاد ضعف

حرکات تنفسی و گردش خون، باز شدن سردسک چشم و سرگیجه می کند و حتی سرگ، بر اثر فلج شدن قلب پیش می آورد. البته عوارض اخیر با مصرف *L. virosa* پیش می آید نه بابکار بردن لاکتو کاریوم.

بررسی های Fromuller نشان داد که با مصرف ۲ گرم لاکتو کاریوم، عوارضی نظیر سرگیجه، سنگینی سر، ترشح عرق فراوان و احساس طنین و صداهائی در گوش، ظاهر می شود. برعکس معدودی از محققین نیز برای لاکتو کاریوم اثر مسکن خفیف، بدون ایجاد هیچ گونه عوارض ناراحت کننده قائل اند.

لاکتو کاریوم دارای سمیتی کمتر از تریاک است و از محاسن آن این است که اثر مسکن تحریکات شدید نسجی منشاء عصبی دارد بدون آنکه ایجاد احتقان سغزی (غلبه خون به من) یا یبوست و بی اشتهائی بنماید (Dr. H. Leclerc). لاکتو کاریوم مسکن خوبی برای قاعدگی های دردناک است.

عده ای عقیده دارند که لاکتو کاریوم در رفع بعضی از بیماریهای اطفال، کمک مؤثر می کند بطوری که مقادیر کم آن می تواند برای کاهش یا رفع تحریکات عصبی، تسکین سرفه مخصوصاً در سیاه سرفه و به عنوان خواب آور مصرف گردیده سنتی ادامه یابد. از لاکتو کاریوم، در برونشیت ها و نزلدها نیز می توان استفاده بعمل آورد.

برای آن اثر رفع سیلان سنی نیز قائل اند.

**سمومیت:** مصرف بی رویه فرآورده های این نوع کاهوها و یا اعضای آنها، عوارضی نظیر عرق کردن، تهوع، استفراغ، بی نظمی و شتاب حرکات تنفسی و ضربان قلب، باز شدن سردسک چشم، اختلالات بینائی، احساس صداهائی در گوش، تحریکات و غیره پیش می آورد. از این جهت با رعایت احتیاط، مصرف آنها باید منحصراً محدود به مقادیری باشد که بدانها اشاره می شود.

**صور داروئی** - لاکتو کاریوم، به صورت حب و به مقدار ۱۰۰ تا ۵۰۰ (بدون آنکه مصرف آن از یک گرم در روز تجاوز نماید)، عصاره الکلی به مقدار ۱۰۰ تا ۵۰۰ گرم و یا شربت به مقدار ۳۰ تا ۵۰ گرم در روز مصرف می شود.

شیره تازه اعضای این گیاه به مقدار ۲۰ تا ۶۰ گرم (تدریجاً می تواند افزایش یابد) و برگ و ساقه گیاه به صورت جوشانده ۳۰ تا ۶۰ در هزار بکار می رود. از وارد کردن یک قسمت از برگ تازه گیاه یا شیره آن در دو قسمت الکل ۳۶ درجه، نوعی تنطور الکلی تهیه می شود که

به مقدار ۰.۵ تا ۰.۶ گرم در روز، مخلوط در یک پوسیمون مصرف می‌گردد. گرد دانه این گیاه به مقدار ۲ تا ۴ گرم در روز به عنوان آرام کننده و رفع ناراحتی های آسم، ذات‌الجنب و غیره نیز بکار می‌رود.

در استعمال خارج، له شده برگ و یا جوشانده تغلیظ یافته آن به صورت ضماد بکار می‌رود. از جوشاندن یک قاشق چایخوری دانه این گیاه در یک فنجان آب نیز نوعی جوشانده تهیه می‌شود که از آن برای شستشوی چشم در موارد التهاب و ورم حاد پلک چشم استفاده درمانی بعمل می‌آورند.

لاکتوکاریوم در فرمول تعدادی از فرمول های داروئی وارد می‌شود:

#### نسخه برای رفع سرفه و برونشیت اطفال

شربت لاکتوکاریوم اوپیاسه	۴۰ گرم
» بلادون	۱۵ »
» بم دوتلو	۹۰ »

این شربت به مقدار ۴ تا ۶ قاشق قهوهخوری در روز برای رفع سرفه و برونشیت اطفال

بکار می‌رود.

شربت لاکتوکاریوم اوپیاسه، دارای فرمول زیر است:

عصاره الکلی لاکتوکاریوم	۱۵۰ گرم
» تریاک	۰.۷۵ »
اسید سیتریک	۰.۷۵ »
آب بهارنارنج	۴۰ »
قند	۲۰۰۰ »
آب مقطر به مقدار کافی	

به مقدار ۰.۳ تا ۰.۶ گرم در روز، در رفع برونشیت‌های حاد و دردهای عصبی و غیره مصرف می‌شود. هر قاشق سوپخوری این شربت دارای ۰.۵ میلیگرم عصاره تریاک و یکسانتی گرم عصاره لاکتوکاریوم باید باشد (کد کس ۸۴).

محل رویش - نواحی شمالی ایران: گیلان (Fl. Iran).

### Lactuca Scariola L.

L. albicaulis Boiss. ، L. coriacea Sch.

فرانسه : Scariole ، Laitue sauvage انگلیسی: Prickly lettuce

آلمانی : Skariol ، Stachellattich ایتالیائی : Lattuga salvatica

فارسی : کاهوی وحشی<sup>(۱)</sup> عربی : خس الزیت ( . . . ezzayt )

گیاهی است علفی، یکساله یا دوساله و به ارتفاع متوسط ۰.۷۰ متر که در نواحی مساعد به ۱.۰ متر نیز می‌رسد. برگهای آن، رنگ سبز سایل به آبی سات و ظاهر خشن، منقسم به قطعات نسبتاً باریک دارد. ضمناً در مقابل تابش نور خورشید، حرکات مشخص پیدا می‌کند بطوری که مانع رسیدن نور شدید خورشید در اواسط روز به سطح پهنک می‌گردد. دندانهای کناره برگهای آن، هریک به خار کوچکی ختم می‌شود. ساقه اش ظاهر خشن دارد و در قسمتهای انتهائی نیز به شاخه های باریک و دراز با ظاهر خمیده منتهی می‌شود.

کاپیتولهای آن که منحصراً از گلهای زبانه‌ای زرد رنگ تشکیل می‌یابد، در فاصله اواخر خرداد تا پائیز شکفته می‌گردد. سیوه آن رنگ خاکستری و کناره‌های نسبتاً تیز دارد و در انتها به تارهای کوتاه ختم می‌شود.

این گیاه به حالت وحشی در کنار جاده‌ها، اراضی سنگلاخی، بوستانها، گودالها و غیره می‌روید و زمین آهکی را نیز بهتر می‌پسندد. پراکندگی آن در غالب اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه آسیا و آفریقا است.

از این گیاه نژادهای پرورش یافته نیز وجود دارد که به خلاف نوع قبلی، برگهای عاری از بریدگی دارند. برگهای جوان آنها به حالت خام مصرف می‌گردد.

از شیرابه این گیاه نیز مانند آنچه که در گونه‌های قبلی ذکر شد لاکتوکاریوم به دست می‌آورند.

مصرف مقادیر خیلی زیاد اعضای این گیاه، اثر سمی ظاهر می‌کند و این حالت گاهی با مصرف زیاد کاهوی معمولی نیز پیش می‌آید و علت آن بطوری که در کتب علمی بدان استناد گردیده، مربوط به مواد تلخ و الکلوتئید آنهاست که اثرات آنها مشابه هیوسیامین، تشخیص داده شده است.

۱- کاهوی وحشی، ترجمه نام عامیانه این گیاه در زبانهای مختلف است که بتفاوت بدین نام نیز در بعضی کتب فارسی وارد گردیده است.

خواص درمانی - اعضای این گیاه دارای اثر سدر، آرام کننده، ضد تشنج، نرم کننده و بطور سلاطیم خواب آور است. سابقاً از آن در رفع التهاب‌ها و تحریکات مختلف و همچنین حالات دیگر منشاء عصبی مانند سرفه‌های تشنجی، درد معده منشاء عصبی، ضعف اعصاب و مالیخولیائی استفاده بعمل می‌آمده است.

در تاریخچه مداوای بیماریها با این گیاه چنین ثبت گردیده است که از آن به علت سدر بودن در رفع ناراحتی‌های کلیه، خیز عمومی بدن و زردی استفاده بعمل می‌آمده و نتایج مثبت گرفته می‌شده است.

در استعمال خارج از اعضای له شده گیاه به صورت ضماد در رفع باد سرخ، التهاب‌های سطحی، ورم حاد چشم و از جوشانده آن به صورت تنقیه در رفع تحریکات روده می‌توان استفاده بعمل آورد.

سحل رویش - نواحی مختلف البرز، کندوان در ۲۸۰۰ متری، گرگان در ۱۰۰ کیلو - متری مغرب بجنورد در ۸۰۰ متری، سازندران، دره‌عراز (گزنک در ۱۷۰۰ متری)، زرد سن سیاه بیشه در ۷۰۰ متری. آذربایجان: ۲ کیلومتری شرق ارومیه، مغرب سرنه، خمسه: ۲-۳ کیلومتری زنجان. فارس: دشت ارژن، تل خسروی، جنوب شرقی شیراز، لار، سیناب. مشرق ایران: سیستان. خراسان. لرستان: شهبازان، بیشه در ۱۲۰۰ متری، همدان. کرمانشاه: طاق بستان، بروجرد، درود در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری. اطراف تهران، راه تهران به قزوین، قزوین، سمنان، داسغان و کاشان: قمصر.

یکی از واریته‌های آن به نام *Var. Oleifera* در ناحیه علیای مصر و سودان بمنظور استخراج روغن از دانه گیاه (سیوه) پرورش می‌یابد. سیوه اش کوچک، به رنگ سایل به سبز و دارای ۳۰ تا ۴۰ درصد ماده چرب است. روغن حاصل از آن نیز حالت روان و رنگ زرد طلائی دارد. در درجات زیر صفر منجمد می‌شود. فاقد بوی ولی دارای طعم مطبوع است. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه بین ۰.۹۲۴ و ۰.۹۲۵، اندیس صابونی شدن آن ۱۹۱ تا ۱۹۵ و اندیس ید آن بین ۱۲۳ و ۱۲۸ می‌باشد. در نمونه‌ای که اندیس ید روغن برابر ۱۲۳ است، اسیدهای چرب به مقادیر زیر در آن یافت می‌شود:

اسید استئاریک ۱۳ درصد، اسید پالمیتیک ۱۹ درصد، اسید اولئیک ۳۷.۶ درصد،

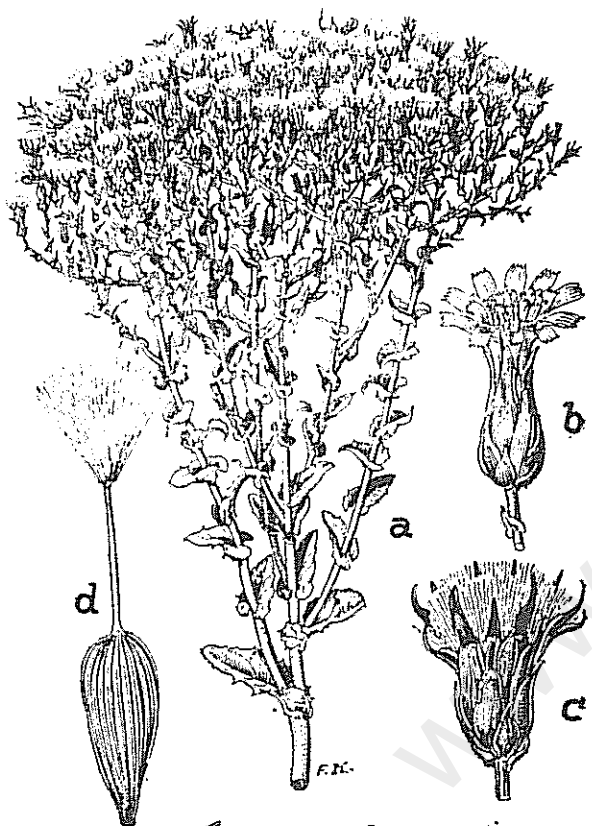
اسید لینولئیک ۰.۶۹ درصد

این روغن اثر خشک شونده دارد و به مصارف تغذیه می‌رسد (Mensier).

### *Lactuca sativa* L.

فرانسه: Laitue cultivée انگلیسی: Lettuce آلمانی: Lattich ایتالیایی: Lattuga  
فارسی: کاهو - عربی: خس (Khas)

کاهوی خوراکی، برگهائی پهن و آبدار، به رنگ سبز روشن و گلتهائی به رنگ زرد دارد. از گیاهان مغذی است که پرورش فرمها و نژادهای مختلف آن در همه نواحی معمول است.



ش ۶۳ - *Lactuca sativa*: a = سرشاخه گلدار b = یک کاپیتول  
c = کاپیتول سیوه دار d = سیوه

از ساقه گلدار آن سابقاً پس از جدا کردن برگهای قاعده ساقه گیاه، نوعی آب مقطر تهیه می‌شده که مصرف آن بین مردم معمول بوده است. از شیر ساقه تازه کاهوی بطوریکه در مبحث لاکتو کاربوم ذکر شد، نوعی عصاره به نام تریداس *Thridace* تهیه می‌شده است و برای این کار نیز شیر

